



← آینده پژوهی، آینده نگری، آینده‌شناسی، پیش‌بینی، پیش‌نگری... در مرکز همه این واژه‌ها کلمه مقدس آینده وجود دارد و شاید به نوعی بتوان گفت تمام این واژگان که تا حدی با یکدیگر تعارف دارند، نشأت گرفته از آینده‌اند. برای همین این ادعا را دارند که به شیوه بهتری آینده را ترسیم می‌کنند یا آن را می‌بینند. جدای از اینکه کدام یک از اینها درست می‌گویند و فارغ از رتبه‌بندی، مسأله‌ای که مهم است و ضرورت آینده‌پژوهی را مشخص می‌کند، مسأله‌مند شدن آینده است. باید از خود پرسیم که چرا باید آینده مرکز توجه مردم قرار بگیرد که با واژه‌ها، جملات و ادعاهای مختلف به آن پردازند؟ اهمیت آن در چیست؟ چرا مادرها دغدغه آینده فرزندشان

که در آن زندگی می‌کنیم که دچار پیچیدگی و نوسان است. این جهان، آینده نامعلومی دارد و همین برای ما مشکل ساز شده و هنگامی که مسأله‌ای پیچیده و مشکل ساز شود، بیشتر درباره آن می‌شنویم. اگر آینده را یک کل در نظر بگیریم ایداً امکان پیش‌بینی آن نیست اما اگر آن را تبدیل به قسمت‌های جزئی کنیم، شناخت برخی از اجزا امکان‌پذیر است و در ساخت این اجزا رقابت وجود دارد. قسمت اعظم آینده در بستری از نمی‌دانم‌های نمی‌دانیم است. در آن فضا از نظر نادانی با همه یکسانیم. وقتی در این ندانستن یکسان باشیم رقابتی هم وجود ندارد. درواقع معرفت و هستی آن قسمت را درک نکرده‌ایم. مثلاً پدربزرگان ما هیچ‌گاه درباره

حرف می‌زنیم و این چالش بسیاری را ایجاد می‌کند. آینده دلخواه برمی‌گردد به مسائل هویتی ما. تلاشی که آینده‌پژوهان ما شروع کردند و من نیز درگیر آن هستم، این است که آنچه می‌خواهیم در آینده بشویم به‌عنوان قسمتی از هویت آدم‌ها معرفی کنیم. هویت همیشه یک مفهوم وابسته و متصل به گذشته بوده. مثلاً من ایرانی بودم اما شخصاً در آن دخیل نبودم ولی رؤیاهای من قسمتی از هویت من است که می‌توانم در آن تصرف داشته باشم. بنابراین اگر می‌خواهید بدانید که آینده دلخواهتان چگونه آینده‌ایست باید بدانید که نظام ارزشی شما چگونه نظامی است. از نظر من آینده مطلوب آینده‌ای است که مبتنی بر نظام‌های ارزشیم است. آینده دلخواه

آینده برای آینده

یا کشوردارها دغدغه آینده کشورشان را دارند؟ این دغدغه‌ها حتی در سنین پایین نیز مشاهده می‌شود. گمان می‌کنم آینده برای ما مشکل ساز شده به این دلیل که بیش از قبل چموش و آزاردهنده است. این سرکشی، ناآرام بودن و دیوانه شدن آینده که گاهی حرکت‌هایی انجام می‌دهد که غیرقابل پیش‌بینی است، برمی‌گردد به ریشه‌های آینده و اینکه چه چیزی آن را می‌سازد؟

قسمتی اقدامات امروز ما، تصورات ما، رویدادهایی که رخ می‌دهد و قسمتی روندها و قسمتی که در هیچ‌کدام از این چهار مورد نمی‌گنجد که من آن را آینده برای آینده نام‌گذاری کرده‌ام، ناشناخته‌تر از گذشته شده. طبیعی است که وقتی ما با موجودی روبه‌رو هستیم که روزه‌روز رمزآلوده‌تر می‌شود و ما برای رمزگشایی آن، آدم‌های بیشتری را استخدام می‌کنیم، تلاش بیشتری برای شناختش می‌کنیم، انسان‌های مختلفی را بررسی می‌کنیم تا یک حبل‌المتینی را پیدا کنیم تا بواسطه آن، موجود ناشناخته آینده را بیشتر بشناسیم. فهم آینده سخت‌تر شده. شما را با واژه‌ای آشنا می‌کنم به اسم جهان بوکا که توصیفی است از جهانی

اینکه آینده صنعت موبایل چه می‌شود دیالوگی نداشته‌اند چون اساساً چنین صنعتی وجود خارجی نداشته است. آینده‌پژوهی جایی معنا پیدا می‌کند که بر سر شناخت آن رقابت وجود داشته باشد. امروزه آگاهی یافتن از آینده به نوعی ارزش تبدیل شده. پس ما، در شناخت یا پیش‌بینی قسمت‌های کلی آینده نادانیم و در قسمت شناخت جزئیات آن رقابت می‌کنیم که آگاهی‌هایی را به دست آوریم. بعضی قسمت‌های آینده هم، قسمت‌های مرجح هستند که آینده مطلوب ما می‌باشند و ما در تلاش برای ساخت آن هستیم؛ رقابت بر سر قسمت‌هایی از آینده است که بتوان آن را ساخت، همان قسمت‌های کوچک. استعاره‌ای که من همیشه درباره آینده‌پژوهی به‌کار می‌برم این است که آینده پژوهی مانند یک شمع است. نور بسیار محدودی دارد که یک شعاع محدودی از اطرافش را می‌تواند روشن کند اما کسی قدر یک شمع را می‌داند که در تاریکی مطلق قرار گرفته باشد. میزان آگاهی یافتن از آینده نیز به اندازه همان شعاع باریک نور است. وقتی از آینده ارجح و مطلوب صحبت می‌کنیم، درباره نظام ارزشی، سپهر فکری و ایدئولوژی‌ها

یک ایرانی مبتنی بر ارزش‌ها و فرهنگ‌های ایرانی است و با آینده مطلوب یک چینی یا سرخپوست کاملاً متفاوت است. جنگ هنگامی رخ می‌دهد که در آینده مطلوب افراد و ملت‌ها تعارض ایجاد شود و این جنگ، جنگ هویتی است که برمی‌گردد به این که ما از کجا آمده‌ایم و به کجا می‌رویم. آینده‌نگر بودن خوب است. عبارتی که همیشه از آن استفاده می‌کنم این است که تا شما ندانید از کجا آمده‌اید و کجا ایستاده‌اید، نمی‌توانید بدانید که به کجاها می‌روید. یک آینده‌پژوه خوب بیش از پنجاه واحد مطالعه خود را به بررسی گذشته می‌پردازد. اگر بخواهید آینده‌نگر خوبی باشید باید گذشته را خوب بشناسید.

نوابغ فردایی وجه متمایزی از دیگران ندارند بلکه آنهایی هستند که گذشته را بخوبی درک کردند و پی بردند که آینده می‌تواند چیز بسیار خوبی باشد. به‌یاد داشته باشید دیدن کامل آینده امکان‌پذیر نیست. به‌جای گشتن دنبال نوابغ فردایی باید به‌دنبال آدم‌های زیست‌پذیر فردایی باشیم. زیست‌پذیر فردایی کسی است که می‌تواند خودش را برای هرنوع آینده‌ای آماده کند. ■